



تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار

www.ketab.ir

گردآوری:
سمیه سادات شفعی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

www.ketab.ir

شقیبی، سمیه‌سادات، ۱۳۵۸ -، گردآورنده
تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار / گردآوری سمیه‌سادات شقیبی
تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰
۳۵۵ ص. [۸] ص. تصویر: مصور
مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی
شابک: ۹-۹۶۳-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸
نمایه
کتابنامه

زنان - ایران - وضع اجتماعی - قرن ۱۳ ق.
ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۲۴ ق. - زنان
رده‌بندی کنگره: HQ۱۷۳۵/۲
رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۰۶۱۶۸



PEFC FSC

Paper from well-managed forests
and controlled sources.

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.

www.ketab.ir



تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار

گردآوری و ویراستاری علمی: سمیه سادات شفیعی

صفحه آرا: مهسا خوش‌نیت - فریدون سامانی‌پور

طراح جلد: حمید باهو

مجموعه فلسفه و علوم اجتماعی

چاپ هشتم: ۱۴۰۴ / ۲۲۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۶۶۴-۹

همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۳۸۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان‌زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان‌زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران‌مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: خیابان شهید قرنی / خیابان شهید کلاتری / شماره ۴۸

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶

🌐 salesspublication.com 📧 salesspublication

فهرست

۱۳	مقدمه
۲۳	۱. زن، خانواده و نظم جنسیتی در عصر قاجار
۲۶	صورتبندی اجتماعی عصر قاجار
۳۰	زنان در بازار کار
۳۴	زنان و تحصیل
۳۶	جایگاه زنان در نظام حقوقی و روابط قدرت
۴۰	زنان در خانواده و روابط شخصی
۴۰	ازدواج
۴۲	جهیزیه و مهریه
۴۳	چندزنی
۴۶	مادری
۴۹	آشپزی و خانه‌داری
۵۰	خشونت خانگی
۵۲	طلاق
۵۴	زنان گروه‌های اقلیت
۵۹	سرکوب بدن زنانه و تفکیک جنسیتی

۶۲ ناامنی عامل تشدیدکننده خانه‌نشینی زنان

۶۵ جمع‌بندی

۷۱ ۲. نهاد شبستان در عصر قاجار

۷۵ تبارشناسی واژه «شبستان» در ایران

۷۷ شبستان به مثابه یک نهاد

۷۹ شبستان در عهد قاجار

۷۹ فضای کالبدی شبستان

۸۶ زنان شبستان

۹۱ خرده‌نظام‌های نهاد شبستان در عهد قاجار

۱۰۲ کارکردهای نهاد شبستان در عهد قاجار

۱۱۰ جمع‌بندی

۱۱۵ ۳. زنان قجری و مصرف فراغتی حوزه عمومی

۱۱۶ چارچوب مفهومی و روش‌شناسی

۱۱۸ بازارها و معابر تجاری

۱۲۵ مقبره امامزادگان

۱۲۷ میادین اصلی

۱۳۴ جمع‌بندی

۱۳۹ ۴. زنان و پزشکی عصر قاجار

۱۳۹ درآمد

۱۴۱ وضعیت عمومی بهداشت

۱۴۳ کمبود خدمات پزشکی و فرودستی زنان

۱۴۴ زنان، معاینه پزشکی و درمان

۱۴۶ زایمان و قابلیت

- ۱۴۸..... دسترسی زنان به نظام سلامت مدرن
- ۱۵۰..... جمع‌بندی
۵. مطالعه جنسیتی باورهای عامیانه در عصر قاجار..... ۱۵۳
- ۱۵۶..... باورهای عامیانه
- ۱۵۸..... جنسیت و مطالعات علوم اجتماعی
- ۱۶۱..... یافته‌ها
- ۱۷۹..... جمع‌بندی
۶. زنان عصر قاجار: جرایم و مجازات‌ها..... ۱۸۷
- ۱۹۰..... یافته‌های تاریخی
- ۱۹۱..... نزاع خانوادگی و قتل
- ۱۹۲..... سرقت
- ۱۹۳..... جرایم جنسی
- ۲۰۳..... مجازات روسپیان
- ۲۰۸..... جمع‌بندی
۷. زنان در گفتمان مشروطه؛ به سوی برابری جنسیتی در آموزش..... ۲۱۳
- ۲۱۷..... شکل‌گیری و تحول اندیشه آموزشی مدرن زنانه
- ۲۲۹..... قدرت و ایدئولوژی در خرده‌گفتمان زنانه
- ۲۳۰..... مقایسه میان زن ایرانی و غربی
- ۲۳۳..... مسئله آموزش و تربیت مادران
- ۲۳۶..... اعتراض به جایگاه زن ایرانی
- ۲۳۹..... طرد «بی‌سواد» و تشویق آموزش «معارف»؛ به سوی آموزش برای همه زنان
- ۲۴۱..... آموزش زنان؛ تضاد گفتمانی موافقان و مخالفان
- ۲۴۸..... جمع‌بندی

۸. جراید زن‌نگار و مسئله هویت زنانه در دوره قاجار ۲۵۳
- نگرش مردمدارانه به نسوان: «زن چیست؟» ۲۵۵
- نگرش نسوان‌گرایانه به زن در مطبوعات زنان: «زن کیست؟» ۲۵۷
- روزنامه دانش ۲۵۹
- روزنامه شکوفه ۲۶۰
- روزنامه زبان زنان ۲۶۲
- روزنامه نامه بانوان ۲۶۴
- مجله جهان زنان ۲۶۷
- مجله جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران ۲۶۹
- جمع‌بندی ۲۷۲
۹. ارزش‌های زنان در آغاز عصر مدرن شدن ایران ۲۷۵
- تحول زبان در دوره مشروطه ۲۷۶
- مطالبه زنان در عصر مشروطه‌خواهی ۲۷۸
- نمادگرایی و کنش جمعی ۲۷۹
- برساخت اجتماعی زبان ۲۸۱
- تحلیل ۲۸۱
- تحلیل نشانه‌شناختی ۲۸۶
- جمع‌بندی ۲۹۷
۱۰. واکاوی نمونه‌هایی از بینش اجتماعی و سیاسی زنان در عصر قاجار ۳۰۳
- حیات اجتماعی در اواخر عصر قاجار ۳۰۴
- سردار مریم بختیاری ۳۰۶
- مهین بانو ۳۱۵
- جمع‌بندی ۳۲۵

۳۲۹	۱۱. زنان در عکس‌های قجری
۳۲۹	مقدمه
۳۳۱	زنان، سوژه پنهان
۳۳۲	۱. محارم و عکس‌های خانوادگی
۳۳۶	۲. اروپاییان و نگاه غربی
۳۳۹	۳. کاسبانی یا نگاه جنسی
۳۴۲	مؤخره
۳۴۵	نمایه

www.ketab.ir

مقدمه

زنان به عنوان یکی از گروه‌های انسانی در ایران شناخته شده‌اند که اهمیت جایگاه نقشی‌شان غالباً در عهده‌داری پایگاه‌های اجتماعی عرصه خصوصی در نظر گرفته شده است. با این حال نقش آفرینی آنان در غالب حرکت‌های اجتماعی در بزنگاه‌های تاریخی چون حادثه گریبایدوف، جنبش تنباکو، شورش نان و نیز حملات از مشروطه‌خواهان در اشکال متفاوت، پرده از بُعد دیگری از حیات اجتماعی کم‌تر مطرح‌شده آنان در تاریخ معاصر برمی‌دارد. کم‌اهمیت دانستن زنان، نادیده انگاشتن آنان و برجسب‌زنی بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایشان هرگز نتوانسته به فروکاستن نقش اجتماعی زنان منجر شود. این چالش‌های گاه سامانمند، مداوم و متمرکز و گاه قطعه‌قطعه، گسسته و مقطعی که برخاسته از سنت‌ها و عرف اجتماعات محلی است، محدودیت‌های متنوع و متعددی را بر زنان تحمیل کرده و آنان را برای زمان‌های متمادی پرده‌نشین ساخته است.

مطالعه دوران قاجار به جهت برخورداری از منابع متنوع و دسترسی آسان‌تر نسبت به دوره‌های پیشین، جذابیت‌های پژوهشی بسیاری دارد. همچنین با توجه به ورود اولین جریان‌های مدرنیته در ابعاد ذهنی و عینی، این دوران محمل شکل‌گیری آرمان‌های مشروطه‌خواهی چون برابری، استبدادستیزی و قانون‌گرایی بوده است و در نتیجه تحولات اجتماعی بر سابقه‌ای را در خود جای داده و از ظرفیت‌های بالایی جهت بررسی و پژوهش‌های روشمند برخوردار است.

چنان که از این کتاب برمی آید، جنسیت در تعیین صورت‌بندی اجتماعی جامعه ایران نقش مهمی داشته و بیش از پیش به تدقیق نظام قشربندی اجتماعی و پیدایش رده‌بندی‌های اقشار و گروه‌ها بر حسب پایگاه طبقاتی، منزلتی و به تبع خرده‌فرهنگ‌های مرتبط انجامیده است. چنان که مطالعه متمرکز بر وضعیت زنان در این دوره گویای برخی ویژگی‌های ساخت اجتماعی جامعه و موقعیت زنان به خودی خود است. به عبارت دیگر در این دوره نقش اجتماعی زن موكداً در ادامه خصیصه‌های زیستی او یعنی فرزندآوری و فرزندپروری تعریف شده است. لذا مادری تجربه‌ای زود هنگام و اجتناب‌ناپذیر پس از ازدواج بوده و بیش و پیش از احراز هر پایگاه نقشی دیگری برای زنان پستندیده و لازم به شمار می‌رفته است. مادری جزئی از شاکله نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدرسالار بوده و با فرزندآوری، به ویژه فرزند پسر، به تأمین و تحکیم اقتدار پدر و نیز واحد خانوادگی تابع او که خود غالباً ذیل ساختار طبقاتی عشیره‌ای تعریف می‌شد، می‌انجامید. تولیدمثل به سادگی با منافع خانوادگی و گروه خویشاوندی گره خورده بود و لذا ازدواج همخون ارجحیتی تام و تمام داشت. در این روند دوران نوجوانی کوتاه و چرانی زیر سقف مشترک سپری می‌شد و در نتیجه «مهرسروری» زنان و مردان میانسال و مسن بر زوجین جوان مشروعیت اجتماعی داشت. شکل‌گیری خانواده امری فردی دانسته نمی‌شد و اساساً منطقی جمعی داشت. یعنی به عنوان یک امر خانوادگی نگریسته می‌شد که چه در مرحله زوج‌یابی، چه در مرحله تأسیس و تثبیت، باید موجب تحکیم خانواده گسترده شود. سن پایین و بی‌تجربگی، سیطره همیشگی الگوی ازدواج ترتیب‌یافته و لذا ناآشنایی و غالباً عدم دیدار قبل از ازدواج، بدیهی انگاشتن وجود فاصله سنی زیاد میان زوجین و بزرگسالی مردان و شکاف جنسیتی میان حوزه خصوصی و عمومی، در نهایت تفاوت نظر و اختلافات خانوادگی را بدیهی و رایج می‌ساخت. خشونت جسمی و روانی (القای نادانی و کم‌خردی به زن) راهکاری موزجذ دانسته می‌شد و در پاسخ، طیف گسترده‌ای از زنان سرگشته، بازار رمالان و دعانویسان را رونق می‌بخشیدند. ناتوانی در فرزندآوری به زنان نسبت داده می‌شد و لذا تلاش برای ازدواج مجدد و آزمودن رابطه زناشویی جدید، اولین و عمومی‌ترین تجویز بود. برخورداری از حق طلاق یکسویه به مردان اجازه ترک زنان را در زمان کوتاه و فارغ از مراتب دادرسی می‌داد. همچنین اولویت

رویه مذهبی-عرفی موجب می‌شد عقد شرعی حتی در سن بسیار پایین مجاز و رایج باشد. ازدواج مجدد و ازدواج موقت نیز در چارچوب این نوع قرارداد شرعی و عرفی انجام می‌شد، لذا بر خلاف اخلاقیات، عقد قرارداد ازدواج با ظرفیت‌های سهل‌انگارانه خود، می‌توانست هزینه‌های اجتماعی سنگینی بر زنان برای همه عمر و نیز بر خانواده‌هایشان وارد سازد. اهمیت تبار به ویژه در خانواده‌های شهرنشین رأس هرم قدرت محدودیت‌زا بود. لذا آنان همچون هم‌تایان روستایی خود از صبح تا شب به عنوان نیروی کار رایگان در مزارع، باغ‌ها و نیز تهیه و فراوری غذا و تولید پوشاک و زیرانداز و همچنین امور دامداری در حال فعالیت نبودند، اما بنا به ضوابط حرمسراها و شبستان‌ها رنج‌های دیگری را تجربه می‌کردند.

این ساختار اجتماعی متصلب و پدرسالار که شالوده و درونمایه نظم جنسیتی ایران در آغاز قرن حاضر را تشکیل داده است، بر زنان عامی که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می‌دادند گران بود، چه رسد به زنان صاحب اندیشه و پیشرو! به طور مثال آنچه در این مجموعه به قلم سردار بی‌بی مریم بخاری آمده و آکنده از روشنی و عمق نگاه زنان پیشرو عصر قاجار به مسائل مبتلابه زنان و جامعه است، نشانگر روحیه پرسشگر زن ایرانی در آغاز عصر مدرن شدن ایران است. در حلقه‌ای پرشمارتر از زنان روشن‌اندیش، باید به نقش روزنامه‌نگاران زن و مؤسسان مدارس زنان توجه داشت. اولین مطبوعات زنان مشحون از ناگواری شرایط و وخامت اوضاع کلی زنان است. نسخه صریح و روشن آنان برای بهبود شرایط، بازتعریف زن از منبر احقاق حقوق و ضرورت آموزش آنان بوده است. موضوعی که در دوره پهلوی اول و ذیل پروژه مدرن‌سازی آمرانه تا اندازه‌ای دستمایه تدوین، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌هایی شد، اما با غفلت از صدای زنان و دخالت ندادن آنان در سیاستگذاری‌ها و اجرا، آن گونه که انتظار می‌رفت به تخفیف دشواری‌های زندگی زنان، حل مسائل اجتماعی آنان و تأمین کرامت و شأن انسانی آنان نینجامید، بلکه در مواردی بر آلامشان افزود.

با آن که پوشش‌های سیاستگذارانه بر این تصور عمومی از زنان به عنوان منفعلانی پذیرا صحه گذاشت، اتخاذ نگاه جامعه‌شناسانه و تمرکز بر زوایای قابل‌دسترس از زندگی زنان، ما را با عاملانی در سطوح خرد، میانه و کلان روبرو می‌سازد که کنش آنان برخاسته از میان ذهنیت اجتماعی است که به فراخور مناسبات جنسیتی شکل گرفته و ناشی از روابط

میان فردی، روابط میان فرد و گروه‌ها و نیز فرد با ساختارهای اجتماعی است. این گونه است که مصرف، باورهای عامیانه و فراغت در پرتوی پذیرش عاملیت زنان عرصه مطالعاتی قابل تأملی است که از رهگذر آن نمایی از آمال، آرزوها، خلاقیت‌ها و فرصت‌سازی‌های زن ایرانی با وجود حداقل دسترسی‌ها و انواع محدودیت‌ها به چشم می‌آید. تحول فضای عمومی نسبت به امر تحصیل زنان که از نقطه بیهوده دانستن آن به لازم شمردنش در برخی مناطق، دفعتاً و در بیش‌تر مناطق دیگر در فاصله زمانی طولانی‌تر محقق شده است، دال دیگری بر کارگزاری زنان در جریان مدرن شدن جامعه ایران است. از جمله، تلاش زنان در پیوستن (یا پیوند دادن فرزندان دختر) به نهاد آموزش مدرن، ابعاد اکتشافی جدیدی برای مطالعه تاریخ اجتماعی زنان بر ما می‌گشاید.

این کشاکش عمق فضای خصوصی خانه‌های برخورداران و متمولان رخنه کرده و به آرایش فضای بیرونی (مردانه، زنانه) و به کارگیری هنرهای تزئینی، شیشه‌کاری و معماری ملهم از آن منجر شده است. اما در همین حال و هوا هم کارگزاری زنان جای خود را یافته است. چنان که مطبخ عموماً جلوانگاه آنان شناخته می‌شد و بجز خانه‌های اعیان و اشراف که آشپزی بر عهده آشپز مزدبگیر زن یا مرد بوده، بجز زنان و نیاز مردان و خانواده به غذا آنان را به عاملان خلاق و ذی‌قدرت بدل ساخته است. چنان که طبخ ایرانی در دوران قاجار به مدد کشگری زنان و بهره‌گیری آنان از خوراکی‌های جدید، مانند گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی، برخی دستورهای غذاهای خارجی از شکل رایج آش تحول یافت.

در خصوص سامان کتاب ذکر توضیحاتی لازم به نظر می‌رسد. فصل اول شرحی است بر ساختار نظام جنسیتی پدرسالار در این دوره که بر زندگی و مناسبات دو جنس سیطره‌ای تمام و کمال داشته است. فاطمه موسوی و بایه، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان و پژوهشگر باسابقه خانواده و تاریخ اجتماعی زنان، در طول سال‌های گذشته با تمرکز بر موضوع، به جمع‌آوری اسناد مربوط پرداخته است و با تحلیل داده‌های موجود ابعاد و حدود و ثغور استیلای فرهنگی اجتماعی نظام پدرسالار را نشان می‌دهد.

در کنار آنچه بر زنان طبقات متوسط و فرودست شهری و روستایی گذشته، شناخت کارویژه‌های شبستان تجری در فصل دوم، و رای تحلیل‌های غربی که غالباً با برچسب‌زنی

اشتیاق بی‌حد جنسی به شاهان و متفعل‌پنداری زنان در حد ابژه‌های جنسی همراه بوده است، مجالی مهیا می‌سازد تا با چهره متفاوت و کارکرد گریانه این نهاد اجتماعی آشنا شویم. آتنا غلام نیارمی، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، در این فصل ما را با شبستان به عنوان نهادی آشنا می‌سازد که با ساخت اجتماعی نسبتاً بادوام خود متشکل از الگوهای رفتاری، نقش‌ها و روابط در طول سلسله قاجار قبض و بسط‌هایی یافته، اما مبتنی بر سلسله‌مراتب قدرت درونی‌اش حیات پویایی داشته است. شبستان به عنوان یک کارگزار سیاسی و به مدد درایت کنشگرانش توانسته است فراتر از تولید نسل شاهان آتی، به ساماندهی روابط دربار با اجتماعات قومی-قبیله‌ای بپردازد و در نتیجه به زنان درباری مرتبط با این اجتماعات فرصت ورود به بازی قدرت را از جمله در عزل و نصب صاحب‌منصبان دهد. این امر با توجه به گستره حضور اقوام و اقلیت‌های قومی، قدرت سران محلی و موضوع امنیت و ناامنی کارویژه‌های منحصربه‌فرد برای شبستان محسوب می‌شود. برخورداری از سرمایه فرهنگی زنان درباری که در کسب مهارت‌هایی چون سواد، قرآن‌خوانی، هنرهای دستی، موسیقی، نقاشی و مهارت‌های رزمی چون سوارکاری و تیراندازی عیان بوده است، از کارکردهای فرهنگی این نهاد در آموزش و تربیت معدودی از زنان تحصیل‌کرده، هنرمند و شاعر در این برهه است. بجز فعالیت‌های اقتصادی و خیریه، کارکرد اجتماعی شبستان با فعالیت‌های اجتماعی زنان در مقاطعی چون تحریم تنباکو و تعامل با عوام در فرصت‌های حضور در حوزه عمومی چون زیارتگاه‌ها و انتقال عریضه‌های مردمی به دربار نیز قابل توجه است. در عین حال نگاهی به کنش‌های شبستان نشان می‌دهد قدرت چانه‌زنی سیاسی و نقش‌آفرینی اجتماعی زنان، صرفاً در گروهی ویژگی‌های انتسابی چون تبار و زیبایی یا مکنت ایشان نبوده، و خصیصه‌های ذاتی و ویژگی‌های اکسایبی آنان تعیین‌کننده بوده است.

فصل سوم ما را با کردوکارهای زنان در حوزه عمومی آشنا می‌سازد و با تمرکز بر فراغت زنان در حوزه عمومی به طور تلویحی کار روزمره و پایگاه شغلی آنان در حوزه خصوصی را رسمیت می‌بخشد. این فصل نمایی از پیشینه تاریخی برنامه‌های فراغتی زنان ایرانی در اختیارمان می‌گذارد که در تنویر چگونگی گذران اوقات فراغت زنان پس از آن و چگونگی تغییراتش سودمند است.

فصل چهارم به قلم معصومه بحیرایی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و همکار پژوهشگرش، مروری است بر وضعیت بهداشت عمومی، تشخیص و درمان پزشکی بیماری‌های زنان و به مدد داده‌های موجود ما را با پنداشت از زن در بیماری و عوارض جسمی، چگونگی برخورداری از درمان، بازگشت سلامت و دسترسی به خدمات پزشکی آشنا می‌سازد.

فصل پنجم به مطالعه تطبیقی باورهای عامیانه زنان و مردان در زندگی روزمره می‌پردازد و به مدد داده‌های تاریخی، تمایزات جنسیتی را آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که زنان در امتداد کردوکارهای مرتبط با جایگاه نقشی خود در اموری چون نازایی، زایمان، مراقبت از نوزاد، جلب مهر و محبت و حفاظت در برابر موجودات خیالی، و مردان در اموری چون رونق کسب‌وکار، افزایش محصول، فراوانی آب چاه و حفاظت، گرایش‌های خود را به باورهای عامیانه در قالب کشف بروز می‌دانند. تمایز جنسیتی میان کارگزاران باورهای عامیانه و چگونگی کاربرد و استعمال این باورها نیز از دیگر موضوعات این فصل است. چه بسا یافته‌های فصل‌های چهارم و پنجم، حاوی سرچشمه‌هایی از رنج‌ها و امراض روحی و روانی زنان باشد که بی‌گمان در بروز بیماری‌های روان‌تنی آنان تأثیرگذار بوده است. به هر حال این تأملات پیشنهادهای پژوهشی شایانی را متبادر می‌سازد.

فصل ششم با ترسیم وضعیت جرم زنانه و مجازات پیش‌بینی‌شده برای آن به اهمیت این جرایم و آستانه تحمل جمعی آن‌ها اشاره داشته و گویای آن است که همین محدود جرایم نیز آن‌قدر وجدان جمعی را به هراس می‌انداخته‌اند یا چنان احتمال به هراس افکندند می‌رفته است که با مجازات‌های تنبیهی و زاجره از جمله مرگ شنیع پاسخ داده شده‌اند. با این حال در ضمیر تاریخی باقی مانده و در خلال وقایع عینی محو نشده است. این امر، ما را در میان نقش تعیین‌کننده دو متغیر مستقل کمبود فرصت ارتکاب جرم زنان و جامعه‌پذیری هم‌نوابانه آنان در میزان ارتکاب به جرم در این مقطع تاریخی مخیر می‌گذارد.

در فصل هفتم محمد بیطرفان، دانش‌آموخته دکتری تاریخ در دانشگاه خوارزمی، با ارائه گزارشی مبسوط از اولین تلاش‌ها برای تأسیس مدارس دختران و برگزاری برنامه‌های آموزشی برایشان، اطلاعات مفیدی درباره سهم و نوع فعالیت نیروهای اجتماعی سازمان‌یافته خارجی یا کوشندگان بومی مرد و زن در این مسیر در اختیارمان قرار می‌دهد؛ مسیری دشوار

از شکل‌گیری گفتمان تجدد در حوزه آموزش زنان و اتکا به آرمان برابری حقوق انسانی دو جنس که بنا به استدلال این فصل به مدد مدارس میسیونری، فعالیت‌های دانش‌آموختگان نواندیش و روشنفکران ایرانی، بسط یافت.

فصل هشتم با مروری بر اولین مطبوعات زنان، منتشرشده از ۱۲۸۹ (سال آغاز انتشار نخستین جریده زنان با نام *دانش*) تا ۱۳۰۴ شمسی (انقراض قاجار و روی کار آمدن رضاشاه)، از جمله، زن‌نگاره‌های به‌جامانده، پنداشت رایج از زن در آن مقطع را به عنوان باوری مردمدارانه معرفی و تحلیل می‌کند و به واکاوی ابعاد آن می‌پردازد. این فصل نشان می‌دهد پنداشت از زن آمیخته با مضامینی به شدت فرودستانه بود که بر ضعف، بیچارگی، محنت و رنج‌کشگران دلالت داشت و جایگاه نازل منزلت آنان را انکاس می‌داد؛ چنان‌که اولین نشریات زنان تلاش خود را بیش‌تر مصروف مشروعیت‌بخشی به هویت زنانه، گنجاندن جایگاه زن در «هیئت اجتماع بشری»، ارتقای جایگاه اجتماعی زنان از طریق توجه به حقوق آنان و موضوع «جنس زن» کرده‌اند. علی‌باغچیان دلگشا، دانش‌آموخته دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی، در این فصل با نگارش مقاله‌ای مروری به بررسی و نقش ساختاری مطبوعات زن‌نگار منتشرشده در دوره قاجار پرداخته است. توجه به موضوع «هویت زنانه» و تلاش برای طرح نخستین مطالبات اجتماعی زنان ایرانی در مطبوعات زن‌نگار، از جمله دستاوردهای این نوشتار است.

سیده‌زهرآ حسینی‌فر، کارشناس ارشد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و نگارنده مقالات علمی-پژوهشی در حوزه مطالعات زنان، به اتفاق همکار پژوهشگرش، در فصل نهم از منظر مطالعات فرهنگی ارتباطات، عناوین اولین مدارس دختران را گرد آورده و ضمن توجه به مضامین، به تحلیل نشانه‌شناختی عناوین پرداخته است. عناوین مدارس تابعی از آرمان‌های مؤسسان زن برای زن ایرانی و در عین حال عرصه‌ای برای کشاکش قدرت‌های عرفی و بومی جامعه ایران بر سر امر زنانه است؛ امری که خود محملی از ارزش‌ها و انگاره‌های کنشگران ایرانی ترقی‌خواه را فراهم آورده و بیداری و ترقی وطن را در گروی بهبود وضعیت زنان از طریق آموزش آنان می‌دانسته است.

فصل دهم با دستمایه قرار دادن خاطرات زنان از معدود خاطرات به‌جامانده در این

دوره، با واکاوی آن‌ها به فرازهایی با محوریت موضوعات سیاسی و اقتصادی و جایگاه زنان پرداخته است و در خلال آن خوانندگان را بیش از پیش با بینش چهره‌هایی چون بی‌بی مریم بختیاری آشنا می‌سازد؛ زنی که همچون برخی هم‌عنوان خود (از جمله به طور خاص در این‌جا مهین بانو) از تجربه سال‌ها تحصیل در اروپا بی‌بهره بود، اما از صراحت لهجه و بینشی راهبردی نسبت به حل نابسامانی‌ها برخوردار بود. در حقیقت با رایزنی و تبادل نظر با سیده‌فاطمه سهیلی، دانش‌آموختهٔ دکتری تاریخ دانشگاه خوارزمی، جهت تألیف اثری درخور با توجه به شناخت اندک جامعهٔ امروز از اندیشه‌های زنان در آستانهٔ سدهٔ حاضر، تألیف این فصل میسر شد. لذا این فصل مجالی برای شناخت بهتر اندیشه‌های بی‌بی مریم بختیاری است؛ فراتر از شخصیت محوری و شجاعی که مشوق مبارزه علیه استبداد صغیر بود و خانه‌اش را برای مدت‌ها مأمن ایرانیان وطن‌خواه ساخت.

فصل یازدهم بر موضوع جذاب زنان به عنوان سوژه و ابژهٔ عکاسی تمرکز دارد و ضمن بیان تاریخی از این موضوع به معرفی نگاه اروپامحور جهانگردان اروپایی از زن ایرانی در خلال عکس‌های به‌جامانده از آنان در این دوره می‌پردازد. محققان در این نوشته به فاصلهٔ زن معمولی ایرانی و زنان خاص به عنوان سوژهٔ عکس‌ها اشاره می‌کنند و با نگاه ظریف خود دلالت‌های حضور زن در عکس‌های به‌جامانده را برمی‌شمرند؛ دلالت‌هایی که برای جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان علاقه‌مند به بررسی این دوره، اهمیت بسیاری دارد. سولماز صدقی‌الهرد دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارتباطات دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و از پژوهشگران پرکار تاریخ اجتماعی معاصر ایران است. ایدهٔ اولیهٔ شکل‌گیری کتاب در تعامل با این محقق روشن‌ضمیر شکل گرفت و از این رو در نهایت شایستهٔ آن بود تا ضمن گرامیداشت یادش، این کتاب به روح پرشگرو او تقدیم شود.

این مجموعه با رویکرد تاریخ اجتماعی گرد آمده است تا با تمرکز بر بافت سرشار از معنای زندگی روزمره، به تدقیق زوایایی کم‌تر مطرح‌شده از زندگی زنان بپردازد. توجه دادن به موضوع مالکیت زنان و مایملک آنان، همچون مواردی بدیهی چون جهیزیه و مفاد آن، از جملهٔ این زوایاست. موضوع امنیت و وابسته‌های آن به ویژه در اجتماعات محلی که دستخوش کشمکش‌های درازمدت و خونین بوده‌اند، از دیگر ظرایفی است که در مطالعهٔ

وضعیت زنان در ایران معاصر باید توجهی ویژه به آن کرد. همچنین مشارکت اجتماعی زنان در قالب فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه از جمله موضوعاتی است که هم ما را با انگیزه‌ها، سطوح و میزان کنشگری داوطلبانه آنان آشنا می‌کند و هم ابعاد و حدود و ثنور برخوردارهای اقتصادی آنان را آشکار می‌سازد.

در بستر تعاملات زندگی روزمره است که می‌توان روند تغییرات اجتماعی جامعه ایران در رابطه با زنان و مناسبات دو جنس را دریافت، به گونه‌ای که از مسیر تعابیر روایتگرانه و گزارش مشاهدات سفرنامه‌نویسان، خاطره‌نویسان و سرگذشت‌نویسان و به مدد تحلیل‌های تا کنون ارائه‌شده در این حوزه تخصصی، سهمی در شناخت چگونگی مدرن شدن جامعه ایران داشته باشد. بر این باورم که ریشه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی امروزی در گذشته نه چندان دور ما و به عادت‌واره‌های مشترک ما در چگونگی مواجهه با یکدیگر و با اقامت‌ها بازمی‌گردد. بهبود شرایط را ایجاد و نهادینه‌سازی مناسبات عقلانی و قواعد اخلاقی در پرتوی سپهر عمومی به شدت با شناخت گذشته و مسیر تحولات و تغییرات وارده مرتبط است و لذا تأمل، مطالعه انتقادی و تعامل پرشکرانه را می‌طلبد.

در عین حال باید گفت شناخت اندک از زنان و زنانگی در عصر قاجار دغدغه اصلی تألیف این مجموعه بوده است. به عبارت دیگر نظم دادن به بحث تاریخ اجتماعی زنان در ایران معاصر و پرهیز از هياهو بر سر گزاره‌های نامستند که از گوشه و کنار شنیده می‌شود و القائات برخی متخصصان همه‌جارو و همه‌چیزدان که قابل به حوزه تخصصی زنان نیستند یا برخی که زن بودن را دلیل تسلط بر علم مطالعات زنان می‌دانند، انگیزه‌ای برای طرح مباحث در شکل حاضر بوده است.

تحلیل وضعیت زنان در تاریخ اجتماعی معاصر ایران همواره از علاقمندی‌های حرفه‌ای‌ام بوده است، چنان‌که این موضوع را در مقالات علمی مختلف پی گرفته‌ام و از جمله در کتابی با عنوان بیستون عشق: مشارکت زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق-ایران که به تازگی منتشر شده است، به تحلیل جامعه‌شناختی کنشگری زنان در این مقطع حساس تاریخی پرداخته‌ام. در حقیقت احصای روایت زنان از طریق مصاحبه‌های میدانی و نیز گردآوری اسناد مرتبط، علاوه بر معرفی ابعاد و ماهیت و نوع فعالیت جاری در سازمان کار

کمک‌رسانی، شناخت ساحت‌هایی از حیات فرهنگی-اجتماعی گروه بزرگی از زنان را در این اثر پژوهشی میسر ساخته است.

در این‌جا لازم می‌بینم از همه محققانی که در مجموعه حاضر همکاری داشته‌اند سپاسگزاری کنم. چه بسا با پیگیری‌های گاه و بی‌گاه و حساسیت‌های خاص خود که طالب اثری روشمند بودم، آنان را در این دو سال ناخواسته رنجانده باشم. اما به گمانم در این تعامل تجربه‌ای شیرین را در خاطرم حک کردیم. امیدوارم شیرینی این تجربه در کام مخاطبان نیز بنشیند. گردآوری و ویراستاری علمی این اثر با توجه به سرشت پژوهشی، تألیفی و نیز محتوی اسنادی-تاریخی آن بسیار وقتگیر و دشوار بود. در این زمینه، همفکری با دوست ارجمندم، سرکار خانم دکتر فاطمه موسوی، برای رفع تعدادی از ابهامات و تلخیص یا جرح و تعدیل مطالب مجموعه حاضر بسیار سودمند افتاد. حاصل اما به شدت نیازمند خوانش انتقادی اصحاب علم است. مشتاقانه چشم انتظار پژوهشگران و نویسندگان آینده‌سازان این مجموعه در راه شناخت واقعیت اجتماعی زندگی زنان و مردان ایرانی سودمند بیفتند و مشوقی برای مطالعات مشارکتی آتی با هدف تولید دانش بومی باشد.

سمیه سادات شفیعی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمستان ۱۳۹۸